کسب و کار

قوانین یک مذاکره خوب را بلدید؟

کارکنان و مدیران میانی در شرکت‌ها، به یک دلیل مشترک، از «مذاکره» با رهبر سازمانی خود برای حل مسائل، ترس یا بی‌میلی دارند. در دنیای واقعی «مذاکره سازمانی»، مدیر ارشد به خاطر قدرت بالا، برنده می‌شود. مطالعات «قهرمان مذاکره» در جهان نشان می‌دهد در خیلی از شرکت‌ها «مفهوم مذاکره تعریف شده است». «مذاکره ایده‌آل» فوت و فن دارد.

در یک دنیای ایده‌آل، اگر در محیط کار بین دو نفر یا گروه، درگیری یا اختلافی به وجود بیاید، می‌نشینند و سنجیده صحبت می‌کنند. فکرهایشان را روی هم می‌گذارند و تصمیم می‌گیرند. به این شکل، مشکل حل می‌شود. اما در دنیای واقعی این‌طور نیست. رویه معمولا به این شکل است که مدیر ارشد یا کسی که بیشترین قدرت را دارد، جنگ را می‌برد و بقیه، شاکی و عصبانی می‌مانند. در بعضی شرکت‌ها، برخی افراد حتی تلاش نمی‌کنند: نظرات مخالف را بشنوند یا با افراد دارای دیدگاه متفاوت، وارد بحث شوند.

ترجیح می‌دهند از دعوا دوری کنند. آدم‌ها در محیط کار، سر خیلی چیزها با هم اختلاف پیدا می‌کنند. از مسائل جزئی گرفته مثل نحوه انجام یک وظیفه تا مسائل بزرگ‌تری مثل اولویت‌بندی اهداف استراتژیک. ایده‌آل این است که این اختلافات با یک گفت‌وگو حل شوند. اما معمولا این‌طور نیست. عموما افرادی که دارای قدرت بیشتری هستند، جدال را می‌برند و دیگران را خشمگین به حال خود رها می‌کنند. گاهی هم ترجیح می‌دهند کلا با افراد دارای دیدگاه‌های مخالف وارد بحث نشوند. مبادا که درگیری یا بحثی پیش بیاید. «یوسو» که دوبار قهرمان مذاکره در سطح جهان شده، می‌گوید: مذاکره خوب، یکسری قوانین دارد که باید رعایت‌شان کرد. او که مربی سابق اتحادیه مذاکره دانشگاه هاروارد و نویسنده کتابی به نام «مشاجره خوب» است، اخیرا مهمان «لیسون بیرد» از مجله کسب و کار هاروارد بوده و به مخاطبان یاد داده که چطور به شکلی سالم‌تر و موثرتری با همکاران خود مخالفت کنند تا نتیجه بهتری برای تیم‌ها، مشتریان و سهامداران حاصل شود. چکیده‌ای از این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم:

الیسون: خوش آمدی «یو». اولین سوالم این است که چطور برنده جایزه بهترین مذاکره‌کننده در سطح جهان شدی؟

بو سو: ممنون. داستان از جایی شروع می‌شود که در ۸ سالگی از کره‌جنوبی به استرالیا نقل مکان کردیم. من آن موقع انگلیسی بلد نبودم. بلافاصله یاد گرفتم که سخت‌ترین قسمت حرکت میان دو خط زبانی، سازگار کردن خودت با گفت‌وگوهای زنده است. به‌خصوص در مشاجرات. چون وقتی داری بحث می‌کنی، سرعت گفت‌وگو غیرقابل پیش‌بینی و بریده بریده می‌شود. طرفین حرف هم را قطع می‌کنند و قیافه‌شان، یا کلماتی که از دهانشان بیرون می‌آید، تناسبی ندارد.

به همین خاطر، تصمیم گرفتم چه سازگاری باشم و با همه موافقت کنم. اما وقتی عضو یک تیم مذاکره شدم، همه چیز تغییر کرد. اولین چیزی که درباره مذاکره یاد گرفته بودم، این بود که وقتی یک نفر در حال صحبت است، بقیه ساکتند و برای کسی مثل من که عادت داشت همیشه حرفش را قطع کنند یا دربارهاش نظر دهند این فرصت وسوسه‌کننده‌ای به حساب می‌آمد. برای همین به تیم پیوستم و بعد از مدتی تا حدی پیشرفت کردم که هم برنده جایزه شدم و هم شروع کردم به تدریس این مهارت.

از نظر من، قهرمان مذاکره بودن یعنی تو توانستی کلی مشاجره را ببری و خیلی‌ها دوست دارند این را یاد بگیرند. اما ظاهرا هدف تو این نیست. لزوما نمی‌خواهی برنده شدن را به ما یاد دهی، نه؟

درست است. جنبه رقابتی و مسابقه‌ای چیزی نیست که بخواهی از آن فرار کنی. چون یکی از چیزهایی که به زندگی ما معنا و انگیزه برای پیشرفت می‌دهد، مسابقه دادن است.

بزرگ‌ترین موانعی که بر سر راه یک گفت‌وگوی سالم در محیط‌های شرکتی و استارت‌آپ‌ها وجود دارد، چیستند؟ آیا صرفا این است که نمی‌خواهیم به همکارها توهین کنیم؟

مشکل اصلی‌تر این است که ما در جامعه، تصویر تحریف‌شده‌ای از مذاکره داریم. به‌خصوص در رسانه و شبکه‌های اجتماعی و در نظام آموزشی‌مان. دیگر مثل سابق نگاه‌شبیه به اختلاف‌نظر نداریم. مذاکره و متقاعدسازی، نیازمند تلاش و مهارت است. و در دنیایی که بسیاری از افراد، فاقد این مهارت‌ها هستند، کسی اعتقاد ندارد که مخالفت می‌تواند مزایایی نیز داشته باشد. به همین خاطر وقتی کسی ایده ما را به چالش می‌کشد یا با ما مخالفت می‌کند، حس می‌کنیم به شخص ما حمله یا توهین کرده یا تضعیف‌مان کرده. در حالی که اگر فرهنگی را در محل کار ترویج کنیم که در آن، مخالفت خوب ارزشمند تلقی شود و از دعوای الکی، پرهیز شود، و مرز میان این دو مشخص شود، افراد بیشتری به شرکت در مذاکرات تمایل پیدا خواهند کرد.

از کجا بفهمیم یک موضوع، ارزش مشاجره دارد یا نه؟

سوال خوبی پرسیدی چون وقتی مهارت‌های مذاکره را یاد می‌گیری، دوست داری فورا آنها را سر اولین موضوع، عملی کنی. باید حواست باشد که چه زمانی از این مهارت‌ها استفاده کنی. باید ببینی آیا اختلاف‌نظر، واقعی است یا یک موضوع کم‌اهمیت است. آیا انقدر برایت مهم است که بخواهی وارد بحث شوی؟ آیا به اندازه کافی، جزئی و مشخص است؟ مثلا گفت‌وگو بر سر استراتژی کسب و کار، آنقدرها هم جزئی و دقیق نیست در حالی که صحبت درباره یکی از جنبه‌های آن، مفیدتر و مشخص‌تر است. و اینکه آیا طرفین مشاجره، در زمینه اهدافشان با یکدیگر هم‌سو هستند یا نه. پس اگر در مذاکره به دنبال بزرگ کردن ضمیر نفس خودت هستی، تاثیرش معکوس خواهد بود.

اینکه صرفا با نظر کسی مخالفت کنی، کافی است؟ یا باید در مقابل، ایده جایگزینی ارائه کنیم؟

گاهی داریم کسی را نقد می‌کنیم و حس می‌کنیم انتقادمان، خیلی هم سازنده است. اما او می‌گوید «تو نظر بهتری داری؟». شاید نظر او، بی‌عیب و نقص نباشد. اما تنها گزینه روی میز است. در اینجا تو باید از ایده‌ات، دفاع کنی. شاید نظرت این باشد که کاری انجام ندهید یا وضعیت موجود را حفظ کنید. پس باید از آن دفاع کنی.

سازمان‌ها چطور می‌توانند فضا برای مذاکره سالم فراهم کنند؟ و افراد را آموزش دهند؟

ابتدا باید مهارت‌ها را به افراد بیاموزیم. سازمان‌ها محیط‌هایی تعاملی هستند. فضا برای ارتباط اجتماعی و ارتباط‌گیری به شکل‌هایی محترمانه و حرفه‌ای، فراهم است. مورد دوم، ادغام مذاکره در جلسات است.

مثلا هدف بعضی از جلسات، تقسیم وظایف است. پس یک موضوع مشخص وجود دارد که افراد می‌توانند دست بالا ببرند و دربارهاش صحبت کنند. بعضی از جلسات، پویاتر هستند و بعضی، رسمی‌تر. باید بتوانیم مهارت‌های مذاکره را در این جلسات بگنجانیم.

ممنون که دعوت ما را پذیرفتی.

من از شما ممنونم.

منبع: HBR

مترجم: مریم مرادخانی

زلزله چارک به ۵۴۰ واحد مسکونی شهری و روستایی آسیب زد

مدیرکل بنیاد مسکن هرمزگان با اشاره به اینکه زلزله چارک هرمزگان با بزرگی ۵۶ به ۵۴۰ واحد مسکونی شهری و روستایی آسیب زد از پیشنهاد تخصیص اعتبار ۱۵۰ میلیاردتومانی برای بازسازی واحدهای زلزله‌زده خبر داد.

به گزارش پیام آشنا. شهریار نوری‌زاده مدیرکل بنیاد مسکن هرمزگان در خصوص میزان خسارات وارده به واحدهای مسکونی زلزله زده در چارک استان هرمزگان اعلام کرد: ارزیابی‌ها از زلزله چارک در بندر لنگه هرمزگان با بزرگی ۵۶ در تاریخ ۴ تیرماه، حاکی است که بیشتر واحدهای مسکونی آسیب دیده فاقد استحکام لازم هستند و زلزله به ۴۰۰ واحد شهری و روستایی آسیب زد که باید نوسازی شوند. همچنین در شهر چارک که مرکز بخش است حدود ۱۴۰ واحد تعمیری/ارزیابی شد.

مدیرکل بنیاد مسکن هرمزگان در خصوص میزان خسارت‌ها توضیح داد: در زلزله فین بندرعباس در مجموع ۲۵۰ میلیون تومان به هر واحد خسارت وارد شد و در سیل شرق هرمزگان برای هر واحد خسارت دیده ۲۰۵ میلیون تومان تخصیص یافته است اما با توجه به تورم پیشنهاد دادیم تا تسهیلات اختصاصی به هر واحد آسیب دیده ۳۰۰ میلیون تومان افزایش یابد. نوری‌زاده افزود: در مجموع برای بازسازی واحدها زلزله زده و همچنین بهسازی معابر بنیاد مسکن پیشنهاد تخصیص ۱۵۰ میلیاردتومان را داده است که از این میزان ۱۴۰ میلیاردتومان برای بازسازی واحدهای مسکونی و ۱۰ میلیاردتومان برای بهسازی معابر است.

وی توضیح داد: برای بازسازی واحدهای زلزله زده پیشنهاد بنیاد مسکن ۳۰۰ میلیون تومان برای هر واحد است که از این میزان ۲۳۰ میلیون تومان تسهیلات کم‌بهره با سود ۵ درصد و ۷۰ میلیون تومان بلاعوض است.

مدیرکل بنیاد مسکن هرمزگان یادآور شد: هم‌اکنون ۲۰۰ میلیون تومان برای بهسازی واحدهای مسکونی روستایی تصویب شده که سود بازپرداخت تسهیلات آن ۴ درصد است که هنوز به مرحله اجرایی نرسیده است.

نوری‌زاده تصریح کرد: با توجه به اینکه مردم در خصوص زلزله و بازسازی نگرانی‌هایی دارند امیدواریم که در ابلاغ مصوبات بازسازی و همچنین مصوبات سیل مرحله دوم حوزه شرق هرمزگان تسریع شود تا واحدهای مسکونی خسارت دیده سریع‌تر آغاز شود.

مدیر منطقه ۹ شهرداری کرج خبر داد:

طرح پاک‌سازی محله محور ادامه دارد

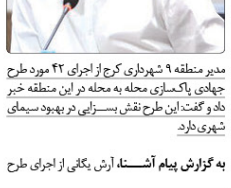

مدیر منطقه ۹ شهرداری کرج از اجرای ۴۲ مورد طرح جهادی پاکسازی محله به محله در این منطقه خبر داد و گفت: این طرح نقش بسزایی در بهبود سیمای شهری دارد.

به گزارش پیام آشنا. آرش یگانی از اجرای طرح پاکسازی محله به محله در سطح محلات منطقه خبر داد و گفت: این طرح باهدف ارتقاء سطح سلامت شهروندان و تأمین رفاه و آسایش آنان هر ۲۰ روز یکبار در دستور کار معاونت خدمات شهری و اجرائی منطقه قرار گرفته است.

یگانی در ادامه افزود: هدف از اجرای این طرح فوریتی ارتقای کیفیت خدمت‌رسانی، کاهش پراکندگی زباله‌های شهری در معابر عمومی، حفظ بهداشت، جلوگیری از شیوع بیماری‌ها، تسریع عملیات جمع‌آوری زباله‌ها و حذف آلودگی‌های بصری محیطی است.

این مسئول گفت: طرح جهادی پاکسازی محله به محله در قالب ساماندهی سطح منطقه از قبیل، جدول گذاری، حذف زوائد بصری، رنگ‌آمیزی پایه تابلوها، رنگ‌آمیزی جداول، رنگ‌آمیزی مبلمان شهری، شستشوی جوی و کانیوها، تابلوهای کوچه‌ها و مبلمان شهری انجام و به‌صورت مستمر در حال اجرا است.

وی نظافت باغچه‌ها و جمع‌آوری سنگ و نخاله‌ها و پاکسازی تراکت و برچسب‌های تبلیغاتی، رنگ‌آمیزی مخازن مکانیزه، کف تراشی و شستشوی مخازن، پاکسازی اراضی بایر و خالی از سطح منطقه همچنین جمع‌آوری تابلوهای غیرمجاز پاکسازی آلهارو کانال‌ها را از دیگر اقدامات انجام‌شده در این طرح برشمرد.

مدیر منطقه ۹ کرج همچنین تسطیح زمین‌های بایر، شستشوی جداول، آسفالت‌ریزی جاله‌های شهری، رفت‌وروب معابر، امحاء دیوارنوشته‌ها و پوسترهای غیرمجاز، رفع سدمعبر، جمع‌آوری متکدیان، جمع‌آوری خاک و نخاله‌ها و رسیدگی به فضای سبز منطقه را از اهم اقدامات صورت گرفته در این طرح عنوان کرد.

وی گفت: این طرح با استفاده از تجهیزاتی از قبیل بابکت چند دستگاه خاور، لودر و به‌کارگیری کارگران خدمات شهری این منطقه اجرایی شد.

وی اضافه کرد: عملیات پاکسازی و جمع‌آوری خاک و نخاله سطح معابر با توجه به اهمیتی که در زیبایی بصری و تأثیر آن بر روحیه شهروندان دارد همچنان از سوی حوزه معاونت محیط‌زیست و خدمات شهری و معاونت‌های اجرایی با جدیت دنبال می‌شود و تا پایان سال ادامه خواهد داشت.

مدیر منطقه ۹ شهرداری کرج بر ضرورت اجرای طرح‌های خدمات رسان بصورت هدفمند تأکید کرد و گفت: تحقق این مهم نقش بسزایی در ارتقاء سطح خدمت‌رسانی به مردم دارد و موجبات رضایتمندی شهروندان و عمران و آبادانی شهر را فراهم می‌آورد.

مدیر منطقه ۷ شهرداری کرج:

آسفالت معابر محلات کم برخوردار در حال اجرا است

مدیر منطقه هفت شهرداری کرج با اشاره به اینکه توجه ویژه‌ای به نقاط کم برخوردار منطقه داریم، خاطرنشان کرد: بهسازی مبلمان شهری مناطق محروم موجب ارتقای سطح زندگی شهروندی می‌شود و رضایتمندی شهروندان را به همراه دارد.

به گزارش پیام آشنا. عباس کمالی روستا بابیان اینکه بهسازی معابر از مهم‌ترین اقدامات باهدف ساماندهی و خدمات‌رسانی به درخواست‌های شهروندان است، افزود: بهسازی معابر شهری در مناطق محروم موجب ارتقای سطح زندگی شهروندی می‌شود و رضایتمندی شهروندان را به همراه دارد.

کمالی روستا در ادامه گفت: از این‌رو معابری که نیاز به مرمت در سطح منطقه به‌ویژه محلات کم برخوردار دارند شناسایی و طبق جدول زمان‌بندی و اولویت معابر، عملیات عمرانی لازم اجرایی می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: پروژه‌های عمرانی در صورتی چشمگیر خواهد بود که روند اجرایی آن‌ها علاوه بر کیفیت، سرعت داشته باشد تا بتوان رضایتمندی شهروندان را به دست آورد.

مدیر منطقه هفت شهرداری کرج خاطرنشان کرد: طی هفته گذشته اداره عمران منطقه اقدام به اجرای عملیات آسفالت در خیابان رجائی به طول ۷۲۰ مترمربع، خیابان زبیدی به طول ۹۰۰ مترمربع و بلوار اشتراکی به طول یک هزار و ۳۷۰ مترمربع با صرف ۳۰۰ تن آسفالت کرده است.

کمالی روستا گفت: اجرای عملیات بهسازی معابر در فازهای تحت مدیریت شهرداری و با تلاش جهادی تا پایان سال ادامه و بخش وسیعی از این پروژه با توجه به بودجه مصوب طی سال جاری به اجرایی می‌شود.

گزارش شهری

خانه امید کودکان کار کجاست؟

موسسه «صلح رهایی» منطقه ۹ پایتخت، آخرین خانه امیدشان است برای گرفتن سهم‌شان از زندگی. برای اینکه قال فروشی یا دود کردن دانه‌های نیمه سوخته اسپند، نشود کسب و کارشان تا همیشه برای اینکه کودکی بر باد رفته شان را به آینده‌ای روشن پیوند بزنند و دیگر کسی «کودک کار» صدایشان نکند. موسسه صلح رهایی منطقه ۹ با عنوان «مرکز پرتو» از سال ۱۳۸۵ با همکاری شهرداری منطقه در محله شهید دستغیب با هدف مهارت‌آموزی به کودکان راه‌اندازی شد. هدفی که تاکنون به مدد حمایت‌های مادی و معنوی افراد نیکوکار پیشرفت‌های موثری داشته است و کودکان کار بسیاری در این مرکز آموزش دیده‌اند. کودکان کاری که نخستین آرزویشان، برخورداری از شرایط اولیه یک زندگی عادی مانند سایر هم‌سن و سال‌هایشان در شهر است، آرزویی که آنها را از انواع آسیب‌های اجتماعی دور و در امان نگه دارد.

آرزو کردن یاد گرفتم

«ابوالفضل»، یکی از کودکانی است که نزدیک به ۲ سال است از خدمات موسسه صلح رهایی استفاده می‌کند. ۱۴ سال دارد و می‌گوید: «شاید ۵ سالم بود که مجبور شدم مثل خواهر و برادرهایم کار کنم تا گرسنه و بی‌خانه نمانیم.» می‌خندد و ادامه می‌دهد: «همه کار انجام داده‌ام، از قال فروشی و واکس زدن کفش مردم گرفته تا شاگردی در میوه فروشی و پیکی سوپرمارکت‌های بالای شهر. برای همین نشد که درس بخوانم. البته یک بار رفتم کلاس‌های شبانه تا حداقل سواد خواندن و نوشتن بلد باشم ولی فایده نداشت. چون آنقدر خسته می‌شدم که همیشه سر کلاس‌ها خوابم می‌برد! تا اینکه از یکی از دوستانم در مورد مرکز پرتو شنیدم. اولش فکر کردم یک جایی هست که با بچه‌ها را از خیابان‌ها به زور و با کتک، جمع می‌کنند یا یکی دو روز خدمات می‌دهند و بعد می‌گویند برو به سلامت! اما این طوری نبود. در این مرکز، من مدرسه رفتم، مکانیکی یاد گرفتم، خواهرم خیاطی یاد گرفت و مادرم هم با کارگاه‌های مهارت‌های زندگی، سرگرم شد.» ابوالفضل، سال ششم دبستان را با معدل ۱۹ به پایان رسانده است و دوست دارد در آینده طراح و سازنده خودرو شود. او ادامه می‌دهد: «شاید برایتان عجیب باشد اما من اینجا، آرزو کردن یاد گرفتم. آرزویی که تا قبل از این فکر می‌کردم برای آدم‌هایی مثل من، محال است.»

از آواز خوانی در بی‌آرتی تا آرزوی خوانندگی

تلاش برای هدفمند کردن، حمایت‌ها از کودکان نخستین رسالت موسسه صلح رهایی منطقه است. همچنان که در سایه این رسالت، «عرفان» صدا مخملی به خوانندگی علاقه‌مند شده است. علاقه‌ای که او را مصمم کرده به یکی از بهترین خوانندگان ایران تبدیل شود. او ۱۲ سال دارد و می‌گوید: «از ۷ سالگی شاگرد نانوایی بودم و گاهی هم سر چهارراه‌های شلوغ، شیشه ماشین‌ها را تمیز می‌کردم و آواز می‌خواندم. مردم به آواز خواندنم بیشتر پول می‌دادند تا شیشه تمیز کردنم! برای همین تصمیم گرفتم با یکی از بچه‌ها، توی اتوبوس‌های «بی‌آرتی» ساز بزنم و آواز بخوانم. یک روز توی یکی از همان اتوبوس، خانمی از من خواست به موسسه صلح رهایی بروم. خدا را شکر؛ حالا هم درس می‌خوانم و هم گاهی که شرایط جور باشد، من را کلاس خوانندگی می‌فرستند. خانم معلم‌مان می‌گوید بدون درس خواندن نه می‌توانم خواننده خوب شوم و نه حتی کار خوبی برای خودم پیدا کنم.» عرفان هنوز هم مجبور است ساعت‌هایی از روز را در کارگاه تولیدی لوستر و آباژور، کار کند.

«اعظم شایگان»، یکی از مربیان موسسه صلح رهایی در این ارتباط می‌گوید: «متاسفانه گاهی علی‌رغم کمک‌های مادی و معنوی موسسه، تعدادی از کودکان، همچنان مجبور به انجام کار هستند تا بتوانند با کسب درآمدهای هر چند محدود، کمک خرج خانواده باشند. در این شرایط، ما نیز سعی می‌کنیم و پیگیر هستیم امور تحصیلی و روانشناسی آنها به طور مستمر و تاثیرگذار، پیش رود. البته اهدای کارت‌های هدیه و توزیع سبد ارزاق در مناسبت‌های مختلف هم انجام می‌شود.»

حمایت از خانواده کودک کار

در حال حاضر، حدود ۱۲۰ کودک ۵ تا ۱۸ ساله و ۳۰۰ بقوی بی‌سرپرست یا بدسرپرست، به طور ثابت از خدمات متنوع موسسه صلح رهایی استفاده می‌کنند. «محبوبه» یکی از بانوان بی‌سرپرست محله هاشمی است که به واسطه استعدادش در هنر «فرش‌بافی» پایش به این موسسه باز شد. محبوبه می‌گوید: «بعد از مرگ همسرم، مجبور شدم در خانه‌های مردم، کارگری کنم تا خرج خودم و ۲ پسر کوچکم را دربیاورم. گاهی آنقدر سخت می‌گذشت که پسرهایم هم مجبور بودند کار کنند. آن موقع اصلا فکرش را نمی‌کردم، هنری که از مادر خدابیامرزم یاد گرفته بودم روزی به کارم بیاید. چرا که به واسطه یکی از خیران محله، آموزش قالی‌بافی در موسسه صلح رهایی را شروع کردم. آموزش به خانم‌هایی که مثل خود من دنبال شغل و درآمد بودند.»

«اکرم» نیز بانوی سرپرست خانواده است که بعد از ۳ سال آشنایی با موسسه، توانسته هم مدرک تحصیلی دیپلم خود را بگیرد و هم در کنار یادگیری ساخت زیورآلات عروس (شغل خانگی)، شرایط اشتغال پسرهایش در یک کارگاه تولیدی قطعات ابزارآلات صنعتی را فراهم کند. او در این ارتباط توضیح می‌دهد: «با کمک خیران این موسسه به برخی از آرزوهایم رسیدم. از همه مهمتر، پسرهایم هستند که از سرگردانی سر چهارراه‌ها در سرما و گرما نجات پیدا کردند و حالا با یاد گرفتن یک فن و حرفه، آقای خودشان شده‌اند: خدا را هزار بار شکر.» پسر کوچک او در کنار فعالیت شغلی و مهارت‌آموزی، ورزش کاراته را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کند: تا در آینده‌ای نه چندان دور، عناوین و افتخارات ملی و بین‌المللی کسب کند.

گره‌گشایی اقتصادی با کمک آموزش و مهارت‌آموزی

با آموزش و آگاهی می‌توان به جنگ آسیب‌های اجتماعی رفت. این مطلب را «ناهید محمدنژاد»، مدیر موسسه صلح رهایی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «برای حل مسئله «کودک کار» در کنار کمک‌های اقتصادی به «آموزش و مهارت‌آموزی» نیز نیاز است. آموزشی همه‌جانبه که همه حوزه‌های انسانی را دربر گیرد و با تجهیز به «مهارت‌آموزی»، بهترین نتیجه حاصل شود. این نکته مهمی است که ما سعی داریم در موسسه به آن توجه کنیم. همچنان که بیشترین سرمایه و نیروی خود را بر روی آموزش و توانمندسازی معطوف کرده‌ایم. البته در ارائه آموزش، به ابعاد سرگرمی و ایجاد نشاط هم توجه داریم. برگزاری کارگاه‌های آموزشی ضمن اردوهای تفریحی از جمله این اقدامات است.»

موسسه پیام صلح رهایی، از سال ۱۳۸۵ با تلاش گروهی از بانوان خیّر، فعالیت خود را آغاز کرد. این موسسه در زمینه آموزش و توانمندی فردی و اجتماعی فعالیت دارد. جامعه هدف موسسه صلح رهایی، کودکان کار و بانوان سرپرست خانواده هستند که خدماتی شامل مشاوره فردی، گروهی با سرفصل‌های خانوادگی، تحصیلی و شخصیتی، خدمات درمانی، بابرگزاری کارگاه‌های مهارت زندگی، کارگاه‌های پرورش خلاقیت، آموزش‌های ویژه افراد بزرگسال و کودکان، توزیع یک‌های حمایتی (رزاق، مناسبتی، عیدانه و بهداشتی) و همچنین معرفی به مراکزی مانند کمپ‌های ترک اعتیاد، ارائه می‌دهد.

برای دریافت مشاوره و کسب آگاهی بیشتر می‌توانید با شماره‌های ۶۶۰۸۲۵۷۱ و ۶۶۰۴۴۷۳۷ تماس بگیرید.

سحر جعفریان

دیدگاه

تعداد معماران بیش از اندازه است، تعداد دانشکده‌های معماری بیش از اندازه است و تحصیل معماری بیش از اندازه محبوب است

ایلیاز نگلیس

ما {معماران} با خودنمایی‌های عنان‌گسیخته خود معماری را بی‌جهت دشوار می‌کنیم. اگر بپذیرید که معماری از زیانی مشترک پیروی می‌کند -چنان‌که همیشه کرده است- آنگاه به این ترتیب {می‌توان گفت که معماری} آسان است. البته که فرهنگ‌های معماری‌ای وجود داشته‌اند که منعکس‌کننده تفاوت‌های تمدنی بوده‌اند و همواره معماران خوبی وجود دارند که معماری بهتری تولید می‌کنند: نسبت به دیگرانی که این کار را نمی‌کنند. این امر مسئله کاملاً متفاوتی را پیش می‌کشد: این که تعداد معماران بیش از اندازه است، تعداد دانشکده‌های معماری بیش از اندازه است و تحصیل معماری بیش از اندازه محبوب است.

{...} به نظر من باید مدارس معماری خوب و مدرسان معماری خوب وجود داشته باشند. اما {در حال حاضر} تعداد بسیار بسیار زیادی {مدرسه و معلم معماری} وجود دارد و همه آنها خوب نیستند. همانطور که لئون {کریر} سال‌ها پیش گفت، نصف مدارس معماری باید تعطیل شود. ورود به مدرسه معماری باید سخت‌تر باشد و معیار پذیرش نباید بر اساس الزامات درآمدی مدرسه‌ها باشد. باید راه‌های بیشتری برای تسهیل انتقال دانشجویان به رشته‌های دیگر پس از سال اول {تحصیل در معماری} وجود داشته باشد. گفتن {این موضوع} به دانشجویان در ابتدای تحصیلشان مسئولیت‌مهمی است که متأسفانه در نظام آموزشی امروز کسی آن را بر عهده نمی‌گیرد. دو سال اول تحصیل در معماری باید آزمایشی باشد. اما {این دو سال} باید همچون اعتبار برای تحصیل در رشته‌ای دیگر محاسبه شود. یک نفر باید آنچه را دانشجویان در آن استعداد دارند کشف کند. در این سطح، تدریس تا حدی شبیه بازی کردن نقش یک قابله معماری است {که قابلیت‌های دانشجویان را شناسایی و به منصه ظهور می‌رساند}. (در گفت‌وگو با **Cynthia Davidson**، منتشر شده در مجله **Log**، شماره ۳۰، سال ۲۰۱۴)

منبع: گفتار

زنگ خطر برای ایران زمین!

نیروگاه شهید سلیمی نکا در ۲۲ کیلومتری شهرستان نکا در استان مازندران قرار دارد؛ این نیروگاه که فعالیت خود را از دهه ۵۰ شمسی آغاز کرده و سالیانه پنج درصد از برق کشور را تولید می‌کند، سالیانه بیش از یک میلیارد تن سوخت مازوت می‌سوزاند. دودهای ناشی از این سوخت‌های فسیلی با حجم بسیار زیادی از لوله‌های تخلیه خارج می‌شوند و گردهای سیاه رنگی را در کل منطقه پراکنده می‌کنند. روستاهای نوذرآباد، دنگسرک و زاغمرز به علت نزدیکی به نیروگاه، خسارات زیست محیطی بیشتری را متحمل می‌شوند. در اکثر باغ‌های میوه این گردهای سیاه وجود دارند و روی برگ‌ها و میوه‌ها قرار می‌گیرند و به گیاه و میوه آسیب می‌رسانند. به گفته روستاییان منطقه بیماری‌های تنفسی در این روستاها بسیار شایع شده است. نکته حائز اهمیت اینکه برخی کشاورزان سالیانه با طرح شکایت از نیروگاه مبالغی را بابت خسارات دریافت می‌کنند. پناهگاه حیات وحش میانکاله و یا تالاب لیو فاصله بسیار کمی با نیروگاه شهید سلیمی نکا دارد.

مصطفی شاقچی